

[یک]

عباس کیارستمی شاعر

(همراه با منتخبی از زیباترین سروده‌های او)



کامبار عابدی
منتقد و پژوهشگر ادبیات

۱. زندگی و آثار

الف. در سال ۱۳۴۴ نهاد فرهنگی جدیدی در ایران به نام «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» کار خود را آغاز کرد. این نهاد فرهنگی، به تدریج، در حوزه فرهنگ نوشتاری، تصویری، صوتی و سینمایی با تکیه بر آثار مرتبط با کودکان و نوجوانان به نهادی بسیار تاثیرگذار و پراهمیت تبدیل شد. یکی از هنرمندان جوانی که در سال‌های نخست تاسیس کانون، به همکاری با آن پرداخت، عباس کیارستمی (متولد ۱۳۱۹، تهران یا میگون؟) بود. کیارستمی از اواخر دهه ۱۳۴۰ تا آغاز دهه ۱۳۷۰ دست کم، بیست فیلم برای این موسسه ساخت. البته، ساخت فیلم‌های او، پس از این دوره، چه در ایران و چه در دیگر کشورها، تداوم یافت (برای فیلم‌شناسی کیارستمی ر.ک: سینمای کیارستمی، صص ۲۴۸-۲۳۵). از همان آغاز، پیدا بود که وی به دنبال نگاهی نو و سبکی خاص در قلمروی سینمای مستند یا نیمه-مستند است. این فیلمساز به مخاطب حرفه‌ای سینمای داستانی بی/کم توجه بود. در واقع، بخش گسترده‌ای از مخاطبان سینمای او کسانی بوده‌اند که عنصر فرهیختگی را در کنار عنصر ظرافت-سادگی می‌پسندند. شهرت و اعتبار کیارستمی، اندک‌اندک، از مرزهای ایران در گذشت: علاوه بر موفقیت‌های پراکنده جهانی، او در سال ۱۳۷۶/۱۹۹۷ با فیلم «طعم گیلان» برنده جایزه نخل طلایی جشنواره کن شد.

ب. مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی به زبان فارسی و زبان‌های دیگر در تحلیل و تحسین فیلم‌های او نوشته شده است (برای فهرست توصیفی ده کتاب فارسی و انگلیسی درباره آنها ر.ک: سینمای کیارستمی، صص ۲۵۶-۲۵۲). بررسی روبرت صافاریان، منتقد سینمایی سرشناس، درباره این فیلم‌ها ذیل عنوان «سینمای عباس کیارستمی» در بهار سال ۱۳۹۵ منتشر شد. بررسی صافاریان، با نگاهی واقع‌بینانه و موشکافانه، همه فیلم‌های وی را شامل می‌شود. همچنین، باید یادآور شد که در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ تحلیل‌های بسیار انتقادی دو منتقد و مترجم چپ‌گرای حوزه‌های فلسفه، ادب و هنر، مراد فرهادپور و مازیار اسلامی، از فیلم‌های کیارستمی در دسترس علاقه‌مندان این رشته هنری قرار گرفت (ر.ک: تهران-پاریس).

پ. کیارستمی علاوه بر فیلمسازی به چندین زمینه هنری دیگر، مانند طراحی و عکاسی، هم پرداخته است. از او در زمینه ادبیات هم آثاری در دست است. یک دسته از این آثار، مصراع‌ها و بیت‌هایی است که او از مجموعه شعرهای شماری از گویندگان قدیم و جدید فارسی‌گوی، با تقطیع خاص خود، انتخاب و گردآوری کرده است. این دسته از کتاب‌های وی انتقادهای وسیع و عجیبی را در جامعه ادبی ایران برانگیخت (صاحب) این قلم، در زمره موافقان چنین انتخاب‌هایی است. چراکه آثاری از این دست، در حد خود، به رشد و گسترش فرهنگ عمومی و ادبی در هر جامعه‌ای، به ویژه، جامعه کم-کتابخوان ایرانی یاری می‌رساند. دسته دیگر از کتاب‌های او، چند دفتر از شعرهای بسیار کوتاه اوست (موضوع مقاله حاضر، شناخت و تحلیلی از همین دفترهاست).

ت. کیارستمی در شماری درخور توجه از فیلم‌هایش بر زیبایی‌های زندگی، به‌رغم تلخی‌ها و سختی‌ها، تاکید کرده است. او، خود، به سبب یک جراحی در کشورش، که از نظر بسیاری می‌توانست آن را به آسانی پشت سر گذارد، به دوره‌های کوتاه و پررنج گام گذاشت: این دوره از حدود نیمه اسفند ۱۳۹۴ در تهران شروع و در نیمه تیر ۱۳۹۵ در پاریس تمام شد. به نظر می‌رسد که وی در اوج شور زندگی، ناگزیر از پر کردن پرشتاب پیمانه خود از زیستن شد (ر.ک: گزارش یک جامپ کات، صص ۱۳-۹). پیکرش در شب ۱۸ تیر به میهن رسید. دو روز بعد، در مشایعت شمار انبوهی از دوستداران هنرش یا دوستداران هنر ایران، از مقابل مرکز آفرینش‌های هنری کانون (در خیابان حجاب منشعب از خیابان فاطمی تهران) به گورستان/آرامستان توک مزرعه لواسان، بنا به وصیتش، برده و در جوار طبیعت آن منطقه به خاک سپرده شد. ث. در گذشت کیارستمی موجی از تاسف و تحسیر را در ایران و جهان برانگیخت. یکی از این تاسف‌ها و تحسیرها در شعری از اسماعیل نوری‌علاء، یکی از دوستان قدیم او، بازتاب یافته است. نوری‌علاء متاخر در میان اهل سیاست، بیشتر شناخته شده است تا در میان اهل ادب. اما برای صاحب این قلم (و به احتمال زیاد، برای بسیاری از دوستداران شعر جدید فارسی) نوری‌علاء، همچنان، به عنوان منتقد، ادیب و محقق شعر مدرن، به یاد آورده می‌شود. متن سروده از دل برآمده وی در سوگ کیارستمی از این قرار است:

«با چشمانی نخفته، اما همیشه پنهان

با فکری پراکنده بر پرده‌های نقره‌ای
با لیخندی که گاه به گریه شبیه‌تر بود
از پله‌ها بالا رفتی و به بام رسیدی
و از بام به آسمانی پر کشیدی که فقط از آن ستارگان
است
سلام به روزهایی که در کوچه‌های گمنام وطن قدم زدیم
و
تو از آرزوهایت گفتی
و نمی‌دانستی که در فردهای غافلگیر
رفتن‌ات
برای روزنامه‌های جهان
خبر خواهد بود
سلام به آن خداحافظی
که در لحظه بازگشتی خون‌زده
این جدایی جاودانه را رقم می‌زد
و سلام به جامانده‌هایت
که تو را
از تصویر تا تصویر
به سرودی همیشه‌وار می‌سرایند
و ستاره‌های تازه را
بر آسمانان
به نام تو روشن کرده‌اند»
(در وصف پر کشیدن، تارنمای «پویشگران»)

۲. تحلیل و منتخبی از شعرها

ج. به طبع، کیارستمی، در درجه نخست، سینماگر بود و نه، در مثل، شاعر. اما چون دست کم، سه دفتر از شعرهای وی بر جای مانده، ناگزیر از تحلیل و بررسی آنها هستیم. همه شعرهای این سه دفتر از نوع بسیار کوتاه/شعرک محسوب می‌شود (کاف در «شعرک» از نوع تصغیرست نه تحقیر). این شعرها در حدود دوره‌ای پانزده ساله (از نیمه دهه ۱۳۷۰ تا پایان دهه بعد) سروده شده و نشر یافته است. آنها را می‌توان به دو دوره متمایز تقسیم کرد: دوره نخست در دو دفتر «همراه با باد» و «گرگی در کمین» بازتاب یافته و دوره دوم در دفتر «باد و برگ». چه نکته‌هایی سبب تمایز این دو دوره از یکدیگر می‌شود؟ می‌کوشم در ادامه مقاله به این پرسش پاسخ دهم.

چ. بخش عمده‌ای از شعرهای کیارستمی در دوره نخست، تاثیر یافته از دو قلمروست: قلمروی نخست، نوع تصویرپردازی سینمای شاعرانه-مستند گونه خود اوست.

در این نوع تصویرپردازی بر طبیعت و موقعیت‌های آن، و نیز گاه بر موقعیت‌های انسانی تاکید می‌شود. قلمروی دوم، گرایش از/ در هایکوسرایبی ژاپنی است. در این گرایش، برشی از زمان-مکان، بی‌هیچ‌گونه داوری و بی‌هیچ‌گونه آشنایی‌زدایی آشکاری، در معرض دید و حافظه خواننده و مخاطب قرار می‌گیرد. در واقع، صرف‌نظر از چند استثنا، شاعر در این دوره، به دنبال اتفاق زبانی یا معنایی خاصی در شعرک‌هایش نیست. بدین ترتیب، از یک‌سو، تصویرهای سینمایی کیارستمی در حوزه کلام، کم یا زیاد، برای «شعر» شدن نیازمند نوعی غافلگیری زبانی است. از دیگر سو، هنر کلامی گوینده در سروده‌هایی که با تاثیر مستقیم از هایکو سروده شده، از نیرو تهی است (البته این کاستی منحصر به شعرک‌های کیارستمی نیست. شماری درخور توجه از شاعرانی که در دهه‌های ۱۳۸۰-۱۳۶۰ به اقتباس از هایکو در شکل و زبان شعر مدرن فارسی برآمده‌اند، از پشتوانه ادبی-زبانی، در حد لازم یا کافی، بی‌کم‌بهره بوده‌اند).

ح. در شعرهای «همراه با باد» غلبه با عنصر تصویرست و در شعرهای «گرگی در کمین» چیرگی با عنصر گفتار. گوینده، گاه از سهراب سپهری تاثیر گرفته (گرگی در کمین، ص ۹۱)؛ گاه از نام ترجمه فارسی کتابی از ف. و. نیچه (همان، ص ۱۴۵) و گاه از کاریکلماتورهای پرویز شاپور (همان، ص ۱۶۳). اما بی‌تردید، تصویرهای سینمایی یا هایکومانند، بخش اعظم ذهنیت شعری کیارستمی را در دوره نخست شاعری‌اش شکل داده است. البته، این دو دفتر را در بدینانه‌ترین داوری می‌توان نوعی «پیش-شعر»، و در خوش‌بینانه‌ترین داوری «تجربه‌ای شاعرانه» تلقی کرد. با این همه، در نمونه‌هایی اندک از دفتر نخست، به ویژه طنز و در دفتر دوم، به خصوص، تلاش برای ثبت برخی از «آن‌های زیست انسانی در جلوه‌گری است. نمونه‌های زیر، حاصل انتخاب دوباره صاحب این قلم از انتخاب نخست خود از این دو دفتر است:

«قطار زوزه می‌کشد
و می‌ایستد:

پروانه‌ای خفته بر ریل آهن» (همراه با باد، ص ۱۶۱)

«شش صندلی بامبو

با هم مرور می‌کنند

خاطره آخرین تندباد پاییزی را

در دشت خیزران» (همان، ص ۱۹۲)

«ماهی‌های قزل‌آلا

نمی‌دانند مقصد رودخانه را

و همراه آن می‌روند

تا آب شور» (همان، ص ۲۰۲)

«گفت

از دست من کاری بر نمی‌آید

کاش گفته بود:

از دلم» (همان، ص ۲۱۰)

«بیخسید و فراموش کنید

گناهان را

اما نه آن گونه

که به کلی فراموششان کنم» (همان، ص ۲۳۱)

«در غیبت تو

شبانه روز

بیست و چهار ساعت است تمام

در حضورت

گاهی کم

گاهی بیش» (گرگی در کمین، ص ۳۷)

«سه شعر سرودم

سی صفحه خواندم

یک دوست رنجاندم

سوم آذر» (همان، ص ۱۱۱)

«در زندگی من:

نقش تصادف بیش از تصمیم

نقش تنبیه بیش از تشویق

نقش دشمن بیش از دوست» (همان، ص ۱۴۷)

«تن بر خاک

پای در گل

دل بر آتش

سر بر باد» (همان، ص ۱۶۰)

«قلیم را

جدآگاهانه

به خاک بسپارید:

شکستنی است» (همان، ص ۱۶۳)

خ. در دوره نخست شعر گوئی، صرف‌نظر از موارد استثناء که نمونه‌هایی از آن آورده شد، کیارستمی یا در بند سینماست یا در سایه هایکو. در مثل، خواننده، با حیرت، «راهبه»‌های زیادی را در شعرهای او می‌بیند که یا خاموش‌اند، یا اندرز می‌دهند یا صبحانه می‌خورند یا چیزهایی می‌گویند یا راه می‌روند (همراه با باد، صص ۱۱۲، ۱۰۲، ۹۶-۹۵، ۱۴۵، ۷۸-۷۷، ۷۱، ۲۹، ۲۶، ۲۲).

اما در دوره دوم شاعری، به تعبیر یکی از ادیبان ایرانی نیمه سده بیستم میلادی، علی‌اصغر سروش، گوئی بند از زبانش برداشته شده است و ذهن شاعر از تاثیر مستقیم سینما و هایکو دور، و در جاده خیال خود روان شده است. «آن‌ها را در حوزه کلام، بسیار بیش از گذشته، می‌بیند، می‌شناسد و ثبت می‌کند. بدین ترتیب، او در حد مقدور خویش، به رگه‌هایی از شعر بسیار کوتاه/ شعرک مدرن فارسی دست می‌یابد. این رگه‌ها، البته، گاه، کنار گذاشتنی است. اما بی‌تردید، در مواردی درخور ملاحظه، گاه ظریف، گاه حکمت‌وار، گاه طنزآمیز و در هر سه صورت، بسیار خواندنی است. انتخابی از انتخاب‌های خود

را از این شعرها به دست می‌دهم:

«از ستم روزگار، پناه بر شعر

از جور یار، پناه بر شعر

از ظلم آشکار، پناه بر شعر» (باد و برگ، ص ۷)

«آب تنی قرص ماه

در بر که‌ای دور از چشم» (همان، ص ۲۲)

«از جمله مهارت‌های خطرناک:

مهارت در فن دوست‌یابی» (همان، ص ۵۱)

«ستایش بهار چه فایده و نکوهش خزان

وقتی یکی می‌رود و

یکی می‌آید» (همان، ص ۶۰)

«برای بعضی

قله جای فتح است

برای قله، جای برف» (همان، ص ۷۰)

«سیب از درخت

فرو افتاد و من

به جاذبه تو اندیشیدم» (همان، ص ۷۵)

«هراتب ارادتم را

ابراز می‌کنم به درخت

برگی می‌افشاند

شاید به نشانه پاسخ» (همان، ص ۸۱)

«بازنگشتند

رودهایی که به دریا رفتند

سربازانی که به جنگ،

و یارانی که به دیار غریب» (همان، ص ۸۹)

«خمیده در چهارچوب در

زنی کهن سال:

سفر به خیر

جوانی بلند قامت

در انتهای کوچه پیچید» (همان، ص ۹۸)

«ترش‌رو، اسیدی مزاج و نامهربان است

با وجود این،

یاری شیرین و شکرخو دارد» (همان، ص ۱۱۱)

«وقتی صاحب اقتدار شد

لطفش را از دست داد» (همان، ص ۱۳۴)

«فکر می‌کردم تب دارم

نداشتم

فکر می‌کردم برده‌ام

باخته بودم» (همان، ص ۲۵۴)

«وقتی خندید، خندیدم

وقتی گریست، گریستم

وقتی گفت، شنیدم

وقتی گفتم، رمید» (همان، ص ۲۸۲)

«سال گذشته

مرگ سه دوست و تولد سه دشمن

در دفتر روزنامه‌ام به ثبت رسید» (همان، ص ۲۹۵)

«دوست جان- جانی بودیم

سال‌ها

دشمن جانی هستیم

یک-دو سالی» (همان، ص ۲۹۷)

د. یکی از روش‌ها یا شگردهای کیارستمی در

شعر گوئی، سرودن شعرهایی با ساختار همسان است. در

مثل، او علاقه‌مند است که گاه سروده‌هایش را با عبارتی

مشترک آغاز کند یا به پایان رساند. این تمایل او در

دوره نخست شعر گوئی بیشتر از دوره دوم آن است:

هشت شعر با عبارت آغازین «خوب که فکر می‌کنم»

(همراه با باد، صص ۱۵۲-۱۴۷، ۱۴۴)؛ پنج شعر با عبارت

آغازین «به زادگاهم که باز گشتم» (گرگی در کمین،

صص ۹۹-۹۸، ۹۶-۹۳، ۹۲)؛ سه شعر با عبارت آغازین

«به زادگاهم که بازمی‌گردم» (همان، صص ۹۶، ۹۳-۹۲)

، شش شعر با درون‌مایه «زادگاه» در جوار هشت

شعر بالا (همان، صص ۹۷-۹۴)؛ سه شعر با عبارت آغازین «از باورهای امروز» (همان، صص ۱۴۳، ۱۴۰-۱۳۹)، سه شعر با عبارت پایانی «شما باور نکنید» (همان، صص ۱۱۴-۱۱۲)، با وجود چند استثنا، شاعر در ابتکارهای بالا نتوانسته به درخشش کلامی دست یابد. این نکته، تا حد زیادی، در ۱۲+۱ شعر از واپسین دفتر او، که با عبارت «خواب دیدم» آغاز می‌شود (باد و برگ، صص ۳۴۳-۳۳۹) نیز دیده می‌شود.

ذ. صاحب این قلم در اواخر دهه ۱۳۷۰ نگاه چندان مساعدی به شعرهای نخستین دفتر کیارستمی نداشت (تأمل‌هایی از جنس سینما، صص ۱۵-۱۴). این نگاه با نشر دومین دفتر از سروده‌های او، به طور شفاهی، تجدید شد. البته، نگاه مقدمه‌نویسان بر این دو دفتر، یکی ادیبی ایرانی (مرتضی کاخی، همراه با باد، صص ۶-۹) و دیگری ایران‌شناسی آمریکایی (مایکل بی‌برد: M. Beard، گرگی در کمین، صص ۱۷-۱۱) در مقابل نگاه بالا قرار داشت، با این همه، نشر سومین دفتر از شعرهای کیارستمی سبب شد تا دو دفتر نخست را به عنوان تمرینی برای دفتر سوم در نظر آورم. او در این دفتر، به ویژه، ۳۱ تأمل شاعرانه خود را با موضوع «سال شعر» ثبت کرده است. این شعرها را می‌توان نمونه‌هایی ظریف، تاثیرگذار و خیال‌انگیز از اندیشیدن به شعر در شعر دانست (در میان شاعران هم‌عصر، بیژن جلالی و منصور اوجی بیش از شاعران دیگر در سروده‌هایشان به شعر اندیشیده‌اند). شعرهای مورد اشاره، در کنار دیگر نمونه‌های منتخب از سومین دفتر کیارستمی، سبب می‌شود که نتوان با یکی از سروده‌های او درباره خودش موافق بود. او در این شعر، «سرزمین تخیلاتش» را «نامحضور» اما «بی‌محصول» دانسته است (باد و برگ، صص ۲۷۱). البته، محصول تخیل او در سرزمین کلام در دوره دوم شعر گوئی، درخور احترام است:

«یک شاعر گمنام
در روستایی دورافتاده
سال را سال شعر اعلام کرد»
«آن سال، کشاورزان
هرچه کاشته بودند
شعر درو کردند»
«همسایه‌ها بر بند رخت
شعر پهن کرده بودند،
اردی‌بهشت»
«یک بیت شعر
در ساحل مفقود شد
جوینده‌ای در کار نیست»
باد

یک مصراع شعر را
از بند همسایه ربود»
«عاشقان مفلس
در سیاهی شب
دور از چشم گزرها
«شعرنامه» پخش کردند»
«بساطی‌ها

شعر بساطی می‌کردند»

«ضرب‌خانه‌ها

سکه‌های یک‌بیتی و دو‌بیتی

ضرب کردند»

«بانک‌ها

به فکر افتتاح شعبه‌های شعری بودند»

«دوشیزگان...»

برای مهریه، دیوان شعر مطالبه می‌کردند»

«یک جوان پاپتی

یک دو‌بیتی را با یک چاقوی ضامن دار

معاوضه کرد»

«صندوق‌دارها در صندوق خود

شعر کسری می‌آوردند»

«شهرداری

برای صدور مجوز ساختمان

به جای نقشه، شعر هم قبول می‌کرد»

«سوداگران شعر

با قایق‌های بی‌بادبان

چاقاق شعر می‌کردند»

«جانشویان

اشعار مازاد بر احتیاج را

به دریا می‌ریختند»

«داروخانه‌ها

باقی مانده پول مشتریان را

شعر پس می‌دادند»

«بقال‌های خرده پا

بر سر در دکان خود نوشتند:

از قبول شعر معذوریم»

«سیاستمداران

به دنبال راه چاره

با سیاست‌بازان شعر - آشنا مشاوره می‌کردند»

«ماه‌گیری شعر - آشنا

در انعکاس قرص ماه

ماهی صید کرد»

«در عمق بیست هزار فرسنگ زیر دریا

یک مصراع شعر، لای خزه‌ها

پیچ و تاب می‌خورد»

«صرافان کهنه‌کار

برای تثبیت اوضاع

دست روی دست گذاشتند»

«کسی آن سوی دیوارست

کسی این سو

نه آن می‌داند نه این

تنها شاعر است که می‌داند»

«هشت - ده ماهی کوچک و بزرگ

و یک مصراع شعر بر کاغذی

در تور ماهیگیری»

«وقتی در جیبم هیچ ندارم

شعر دارم

وقتی در یخچالم هیچ ندارم

شعر دارم

وقتی در قلبم هیچ ندارم

هیچ ندارم»

«در اتاق محقر یک هتل

شعری سرودم

درباره «دشت»»

«سپیده که سر زد

شعرم پژمرد

آفتاب که بر آمد

شعرم مرد»

«در کفش‌های کهنه کودک‌کی‌ام

همیشه یکی - دو شعر خام

خود را پنهان کرده‌اند»

«بادبادکی که در کودک‌کی

به باد داده بودم

امروز بعد شعرم نشست»

«یک کلمه بر کاغذ

کاغذ بر قلاب ماهیگیری شعر - آشنا»

«شاعری بود سیاستمدار

یا سیاست - پیشه‌ای شاعر

شعرش آلوده به سیاست

و سیاستش عاری از شعر»

«در دو لنگه جوراب سفیدم

یک بیت شعر ناب پیدا شد» (باد و برگ، صص ۲۱۳ -

۱۹۳)

فهرست منابع و مآخذ

* آثار کیارستمی (دفترهای شعر):

۱. همراه با باد (با مقدمه مرتضی کاخی، نشر هنر ایران، ۱۳۷۸، ۲۳۱ص، قطع خشتی).
۲. گرگی در کمین (با ترجمه انگلیسی کریم امامی و مایکل بی‌برد، با مقدمه بی‌برد، سخن، ۱۳۸۴، ۱۷۴+۱۸۱ص، قطع رقیعی).
۳. باد و برگ (چاپ و نشر نظر، چ ۲، ۱۳۹۲، ۳۶۸ص، قطع جیبی کوچک، چ ۱، ۱۳۹۰).
۴. سر بر باد (با طرح‌ها و تصاویرهای فائزه پورکمالی، نشر و پژوهش رسم، ۱۳۹۳، ۴۸ص، قطع خشتی کوچک).
اشاره: این دفتر، در واقع، منتخبی ست از مجموعه شماره ۲.

* آثار دیگران:

۵. پاریس - تهران (درباره) سینمای عباس کیارستمی، گفت‌وگوی مازیار اسلامی و مراد فرهادپور، فرهنگ صبا، ۱۳۸۷).
۶. تأمل‌هایی از جنس سینما (نقدی بر: همراه با باد، کامیار عابدی، جهان کتاب، ۵ش، ۱۴-۱۳، مهر ۱۳۷۹).
۷. در وصف پر کشیدن دوستم، عباس کیارستمی (شعر، اسماعیل نوری‌علاء، تارنمای «پویشگران»، ۱۴ تیر ۱۳۹۵).
۸. سینمای عباس کیارستمی (روبرت صافاریان، روزنه، ۱۳۹۵).
۹. گزارش یک جامپ کات (چه گونه کلمه مرحوم به نام کیارستمی اضافه شد، مینا اکبری، فیلم، ۳۴ش، ۵۱۱، مرداد ۱۳۹۵).